



- تاریخ تئاتر اروپا (تئاتر رنسانس)
- هایتنس کیندرمن
- ترجمه سعید فرهودی
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رنسانس و باروک نویسنده بسیاری از مسائل را که از انظار دور مانده، و در نوع خود به نحو دیگری جلوه می‌کردند، به میدان دید کشانده تا بتوان رخداد‌های تاریخی تئاتر را قابل درک ساخت. چرا که طرح‌های زنده و پرشکوه و شکل پدیده‌های تئاتر رنسانس و باروک در ویژگی‌های منحصر به فردشان هنگامی قابل شناختن هستند که تصویر کلی تئاتر در همان دوران پدید آمدنش به شکل کاملاً زنده‌ای مجسم شود، بنابراین عصر رنسانس و باروک جداگانه بررسی شده‌اند. از طرفی چون روند تکاملی هنر نمایشی انگلیسی و اسپانیایی آشکارا پیشرفتی را نشان می‌دهد، این دو در آغاز جلد مربوط به باروک بررسی و مطالعه می‌شوند و خواننده در می‌یابد که موضوع دیگری جز شمارش مسلسل روندهای تئاتری مطرح بوده است.

در واقع نویسنده قصد آن دارد پویایی حرکت‌های گوناگون ملل را در آینه‌ی تاریخ تئاتر قاره‌ی اروپا نشان دهد و به همراه این پویایی که زنجیروار به هم پیوسته است، تأثیرپذیری متقابل در مرزهای اروپایی را نیز عرضه کند. وی همچنین کوشیده است در این مجلدات واقعیات هنری سراسر اروپا را درباره‌ی فعالیت‌های تاریخی تئاتر مدنظر داشته باشد، بدین معنی که تئاتر آن مناطقی هم که به فراموشی سپرده شده‌اند به دقت بررسی شود.

اثر حاضر که مجلد چهارم و تحت عنوان تئاتر رنسانس منتشر شده خود به دو مجلد تئاتر رنسانس (۱) و تئاتر رنسانس (۲) تقسیم شده که این کتاب مجلد اول را تشکیل داده است. در جلد اول ابتدا تئاتر ایتالیا، یعنی گهواره‌ی رنسانس بررسی و تشریح شده و سپس از تئاتر فرانسه به تفصیل سخن به میان آمده است. در جلد دوم، تئاتر کشور هلند، سرزمین‌های آلمانی زبان، اسکاندیناوی، اسلاوی و مجارستان بررسی و تحلیل شده است. خواننده با مطالعه این دو مجلد در می‌یابد که تئاتر کنونی اروپا در بسیاری موارد از عصر رنسانس ریشه گرفته است. در این دو مجلد مجموعه‌ای از درام‌های آن دوران بررسی و در تکمیل این بررسی‌ها، اجرا و صحنه‌های گوناگون از نظر دور نمانده‌اند و دقیقاً مطالعه و شیوه‌های مختلف نمایشی نیز تشریح شده است. معماران صحنه‌ای معرفی و در رشته‌های نقاشی، صحنه‌آرایی و کارگردانی از دیگر هنرمندان سخن به میان آمده است. قابل ذکر است تمامی پانوشت‌های دو مجلد نیز توسط مترجم تهیه شده است.

موضع تئاتر در عصر رنسانس، به عوامل متفاوتی وابسته بوده است. روند دگرگونی و موقعیت و جایگاه تازه تئاتر، بیشتر از همه، تحت تأثیر عامل دیگری بود: تولد اروپای جدید با فرهنگ و تمدنی جدید که در آن ملیت‌ها هریک با فرهنگ خاص خود در عرصه ظاهر شدند. در کنار رنسانس ایتالیایی، رنسانس‌های آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، اسپانیایی، هلندی، اسکاندیناویایی و اسلاوی دیده می‌شود که همه بنا بر نمونه‌ی ایتالیایی به حرکت درآمده و از اصول مشترکی پیروی می‌کردند، اما در عین حال به فراخور شرایط خود، شکل و رنگ ویژه‌ی خویش را بر روی صحنه‌های تئاتر جدید اروپایی حفظ کرده بودند. در این زمان حرکت‌های پویا به شکل نمایش‌های تئاتری در جست‌وجوی اشکال بیانی جدیدی بودند که با جشن‌های کارناوال گونه و پرشکوه نمایشی نیز رابطه‌ای فشرده داشتند.

خودآگاهی هنری رنسانس در پی قانونی است که در درون همه‌ی معیارها و عناصر اصیل زندگی و حرکت نامرئی آن به اشکال ویژه وجود دارد. در اینجا تأثیر سحرآمیز گذشته و همسانی با آن مطرح و راز زیبایی قطعات طلایی موردنظر است. همه‌ی این بازیافته‌های نو، ساختار تئاتر رنسانس، شکل اجرایی و صحنه‌ی آن، نوع تصویری و سبک نمایشی آن را به طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکنون کمال مطلوب زیبایی برخلاف اواخر دوران گوتیک، به مثابه محور اصلی، هم برای تصویر نمایشی از انسان و هم برای شیوه‌های تنظیمی و تزیینات و جلوه دکوراسیون، لباس‌ها و همچنین حرکت در فضای نمایشی اعتبار داشت.

هرجا که تئاتر رنسانسی در مبارزات بزرگ به خاطر مسائل معنوی آینده به مداخله می‌پردازد، بی‌تردید یک نظام زندگی پرهیجان نیز مطرح است. شعار هوتن این بود که «زندگی کردن، خود لذتی!» است و بسیاری از اندیشمندان آن عصر آن را تکرار می‌کردند. در واقع حرکت تئاتر رنسانس اندیشه‌ی هوتن و تأیید زندگی به شیوه‌ی او را منعکس می‌سازد.

در مجموعه تاریخ تئاتر اروپا، مجلد چهارم آن به تئاتر رنسانس اختصاص یافته است. در این مجموعه چند جلدی، طی دو فصل رنسانس و باروک، که دوران جدیدی از تاریخ تئاتر اروپا را در برمی‌گیرد، تلاش شده واقعیات تئاتری تا حد ممکن زنده نگه داشته شود تا خواننده رخداد‌های بزرگ تئاتری سده‌های شانزدهم و هفدهم را همانند یک تماشاگر مشاهده کند. در عصر